



# پویا

نشریه کارگری پویا

امنیت مشاغل حق مسلم ماست

kargaran\_pooya@yahoo.com



22 بهمن ماه 1386

شماره 22

نشریه کارگری پویا

در این شماره میخوانید :

- اطلاعاتی ها

- سیل در استان سیستان و بلوچستان و نامه مردم

- گزارش : بچه های خیابانی

- شعر و ادب : دخترگل فروش!

- گذری بر تاریخ : فروغ فرخزاد

- گزارش : قند نیشابور و درخشان یزد

- اخبار کارگری

درد بر کارگر

برای تماس و ارتباط با ما :

ویلاگ سرود آوران با به روز ترین و جدید ترین اخبار و عکس ها و لینک نشریات کارگری پویا

<http://www.mihanomid.blogfa.com>

گروه کارگری یاهو همراه با فایل ها و فیلم های تهیه شده توسط کمیته کارگری پویا :

<http://groups.yahoo.com/group/nashriypooya>

## اطلاعیه کمیته کارگری پویا در رابطه با کارگران کارخانه درخشان در یزد

عدم پرداخت باموقع حقوق کارگران به یک قانون و رسم و عادت بدل شده است، آن هم تازه اگر پرداخت شود .

اینک گروهی از کارگران کارخانه نساجی درخشان یزد، مجدداً در اعتراض به آنچه که عدم دریافت حقوق معوقه 20 ماهه خود عنوان می‌کردند، در مقابل این کارخانه تجمع کردند. این کارگران همگی با سابقه 19 تا 27 سال هستند که نزدیک به 20 ماه است حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

این کارخانه حدود دو سه سال پیش به سازمان مسکن و شهرسازی واگذار شد و بعد از آن نیز تقریباً کارخانه و همه دستگاه‌های آن به دوراهی طبس منتقل شد و به جهت کمبود نقدینگی، تنها به صورت کارمزدی فعالیت دارد و بنا به گزارشات رسیده از خبرنگار کمیته کارگری پویا در شهر یزد، روز 21 بهمن حوالی ظهر قبل از ورود کارگران کارخانه درخشان به شرکت مأمولان نیروی انتظامی با باتوم و گاز اشک آور و شک برقی به اعتراض کارگران پاسخ دادند و تعدادی از کارگران بیگناه این کارخانه را بازداشت و با خود به محل نامعلومی بردند که از سرنوشت این کارگران اطلاعی در دست نیست.

لازم به ذکر است که این کارگران در حال حاضر در مشکلات و مزیغه مالی شدیدی به سر می‌برند و بعضاً بدلیل نداشتن پول برای گذران زندگی مجبور به بیرون کشیدن فرزندان خود از مدرسه شده اند و در حال حاضر برای نان خود هم مشکل دارند.

کمیته کارگری پویا ضمن محکوم کردن این عمل شنیع و ضد انسانی مأموران وزارت اطلاعات که با این شیوه به خواسته کارگران درد مند این کارخانه پاسخ گفتند از کلیه مراجع بین المللی می‌خواهد که به وضعیت کارگران این کارخانه رسیدگی کنند و مانع از انجام هر نوع عمل ضد انسانی با این کارگران زحمتکش و شریف میهنمان بشود .

**درد بر کارگران شریف و درد مند**

**امنیت شغلی حق مسلم ماست**

**کمیته کارگری پویا**

## باند بازی و فامیل بازی اقتصاد این مملکت را ویران کرده است , به این روابط پایان دهید

در پی اخبار و گزارشاتی که به ما رسیده است، در کل وزارت خانه ها و کارخانه ها باندها و فامیل بازیهای بعضی مسئولین بیداد میکند . با نگاهی به این مناسب و گزارش زیر عمق فاجعه روشن میشود . محمود احمدی نژاد: (رییس جمهور)

داوود احمدی نژاد: رییس بازرسی ریاست جمهوری = < برادر احمدی نژاد

حسین شبیری : رییس صندوق مهر رضا = < شوهر خواهر احمدی نژاد

پروین احمدی نژاد : معاون مرکز امور زنان ریاست جمهوری = < خواهر احمدی نژاد

علی اکبر محرابیان : وزیر صنایع = < خواهرزاده احمدی نژاد

هاشمی ثمره : (مشاور عالی، رییس ستاد انتخابات کشور و همه کاره رییس جمهور)

مهندس مهدی هاشمی ثمره : مدیرکل وزارتی وزیر نیرو = < برادر هاشمی ثمره

خانم قند فروش : مشاور خانواده وزیر کشور = < زن برادر هاشمی ثمره

عبدالحمید هاشمی ثمره: معاون وزیر صنایع = < برادر هاشمی ثمره

مهندس زریبافان : (دبیر هیات دولت)

داوود مددی : رییس سازمان تامین اجتماعی = < باجناق زریبافان

سیدمحسن نبوی عضو هیات مدیره شرکت سرمایه گذاری خارجی = < داماد زریبافان

علیرضا مددی : مدیرکل وزارتی وزارت تعاون = < برادرزاده باجناق زریبافان

ناظمی اردکانی : وزیر تعاون = < شوهر عمه داماد زریبافان

دانش جعفری: وزیر اقتصاد = < پسر عمه پدر داماد زریبافان

به راستی در جامعه ای که فقر و اخراج و

سیاستهای غلط اقتصادی باعث از هم پاشیدن و بیخانمانی و بیکاری و بعضاً مرگ کارگران شده و

میشود مقصر کیست و چرا این باند بازی و فامیل بازی ها چرخه اقتصاد و زندگی ایرانیان را از حرکت انداخته است ؟ چه کسی پاسخگو است ؟

کمیته کارگری پویا انتصاهای فامیلی را که پیامدی جز فقر و مسکنت و اخراج و بیکاری برای جامعه کارگری

ما نداشته است را محکوم میکند و معتقد است که باید مدیرانی لایق و نمایندگان انتخابی خود کارگران،

در صدر برنامه های اجرایی باشند .  
**زنده باد آزادی**

**درد بر کارگر**

**کمیته کارگری پویا بهمن ماه 86**



### نامه سرگشاده به آقای محبوب نماینده کارگران

با عرض سلام به آقای محبوب  
ما مردم جنوب استان سیستان و بلوچستان شهرستان کنارک از توابع زاباده هستیم که بر اثر سیلاب و طغیان آب در مورخ 1386/3/13، خانه هایمان خسارات دیده و زندگی مردم که بر روی دامداری و کشاورزی بوده از بین رفته و ناپدیده شده است و هیچ آثاری از آنها نیست. خانه های مسکونی تخریب شده و تمام وسایل منزل از بین رفته و تا حالا 10 ماه است که مردم بدون هیچ سر پناهی در داخل چادرهای هلال احمر زندگی می کنند و با توجه به فصل سرما زندگی برای مردم خیلی سخت شده است و با نداشتن آب و برق دچار مشکل هستند و با توجه به مشکلات مالی و نداشتن مسکن خیلی از اهالی این منطقه در شهرهای ایران سرگشته شده اند.

ما به هر جا که مراجعه کردیم ولی هیچ جوابی نگرفتیم و در این ده ماهه هیچ مشکلی از ما حل نشد وزن و بچه هایمان همچنان در چادر و سرما زندگی می کنند و هیچکس نیست که به داد ما و خانواده ما در این سرما برسد. بناچار گفتیم که شاید از این طریق بتوانیم جان خود وزن و بچه هایمان را از این طریق نجات بدهیم.

لذا از مسئولین دولت نهم خواهشمندیم که در این مورد رسیدگی عاجل نمایند و به داد ما برسند و هر کاری که می توانند برای ما انجام دهند. روستاهایی که در جریان این سیل خسارت های جدی دیده اند و نیاز به کمک دارند شامل:

روستای دودر که با رودخانه یک کیلومتر فاصله دارد و با 365 خانوار و 350 نفر جمعیت

روستای بندک که با رودخانه 400 متر فاصله دارد و با 250 خانوار و 750 نفر جمعیت

روستای صلح که با رودخانه 800 متر فاصله دارد و با 110 خانوار و 330 نفر جمعیت اینها همه با مشکل بی آبی و بی برقی و نداشتن مسکن و حتی نان شب دست و پنجه نرم میکنند.

از دولت نهم می خواهیم که به این منطقه سیل زده رسیدگی به عمل آورند.

الان اگر بخواهم اسامی کل این روستاها را بنویسم تعداد آنها خیلی زیاد است ولی ما منطقه سیل زده از دولت آقای احمدی نژاد می خواهیم که هر چه سریعتر به این منطقه سیل زده رسیدگی کنند.

من چند تا عکس از این منطقه سیل زده برای شما فرستادم که ببینید ما در چه وضعیتی سر می کنیم و بچه های ما با انواع و اقسام مریضی های پوستی دست و پنجه نرم میکنند و با نداشتن یک لقمه نان شب و شکم گرسنه، هر شب سر بر بالین می گذارند.

منتظر رسیدگی عاجل به این منطقه سیل زده هستیم با سپاس از شما:

جمعی از اهالی روستایی منطقه سیل زده جنوب سیستان و بلوچستان

رونوشت به:

دفتر آقای احمدی نژاد،

دفتر نخست وزیر،

جمعیت هلال احمر،

صلیب سرخ

**کمیته کارگری پویا ضمن محکوم کردن مسئولین دولت مهرورز آقای احمدی نژاد!!!!!!، این افراد رامقصر این وضعیت می داند و از آنها می خواهد که هر چه سریعتر به این مردم ستم کشیده و سیل زده کمک کند و آنها را از این وضعیت در بیاورد. همچنین از آقای محبوب انتظار دارد که هر چه سریعتر پشت این مسئله رفته و به این وضعیت خاتمه دهد و از تلفات انسانی آنها جلوگیری کند.**

### سیل در استان سیستان و بلوچستان و بی اعتنایی مسئولین

صدها تن از ساکنین منطقه "بمپور" در استان سیستان و بلوچستان، که بر اثر جاری شدن سیل منازلشان تخریب و آواره شده اند در وضعیت دشواری به سر می برند و به کمکهای فوری نیاز دارند. سیل باعث تخریب بیش از 80 درصد از منازل منطقه "بمپور" شده و ساکنین این منطقه به چادر، پتو، پوشاک و وسایل گرمایشی نیاز دارند و با وجود گذشتن 6 روز از جاری شدن سیل، کمک رسانی به مردم این منطقه با کندی صورت می گیرد. سیل همچنین باعث مرگ یک جوان 21 ساله در مناطق روستایی شهرستان "نیکشهر" شده و راههای ارتباطی صدها روستا نیز به دلیل جاری شدن سیل مسدود شده است.

### شهر سیل زده بمپور خطرات تلخ بم را تداعی کرد



نماینده ایرانشهر در مجلس با اشاره به این که از 25 دی ماه در پی بارندگی های شدید و مداوم، سیل شدیدی در شهر بمپور رخ داد گفت: این سیل سبب شد تا 90 درصد از خانه های مسکونی این شهر ویران شود. با توجه به خشت و گل بودن بافت شهری شهر بمپور، خسارات شدید و غیر قابل جبرانی در این منطقه به وجود آمده و از 60 هزار نفر جمعیت این شهر حدود نیمی از آن بی سرپناه مانده اند. زنان، کودکان و افراد سالخورده سرپناهی ندارند و سیل منازل مسکونی آنها را در بر گرفته است. ساکنان شهر بمپور غذایی برای خوردن و لباس گرمی برای پوشیدن ندارند. تاکنون اخبار دقیقی از تلفات انسانی به دست نرسیده و بر اساس گزارش های رسیده این سیل 4 کشته و 10 زخمی داشته است که البته این آمار دقیق نیست.

### رشد بیکاری در سیستان و بلوچستان؛ دولت کجاست؟

ایجاد واحدهای تولیدی و صنعتی، توسعه و افزایش بازارچه های مرزی و تجارت کالا از طریق بندر چابهار به آبهای آزاد جهان می تواند با ایجاد صدها هزار فرصت شغلی مشکل بیکاری کشور را مرتفع کند. با وجود استعداد ویژه منطقه، دولت کمترین توجهی به قابلیت های اشتغالزایی منطقه نکرده است. استفاده از فضای ویژه صنعتی اقتصادی و تجاری در سیستان و بلوچستان تنها به دست دولت امکان پذیر است.

### استخدام پرسشگراز طریق فرمانداری در شهرستان ایرانشهر

در حال حاضر در ایرانشهر از طریق فرمانداری چند پرسشگر استخدام کرده اند که به اداره جات و کارخانه جات و ... مراجعه کنند و مشکلات مردم را بپرسند که مردم ایرانشهر از اینکار راضی نیستند و میگویند که مقامات میخواهند به این شیوه ها ما را سرگرم کنند و هیچ مشکلی از مردم حل نمیکنند.

### کارخانه نساجی ایرانشهر تعطیل شده است

صنایع نساجی ایرانشهر که اصلی ترین کارخانه در ایرانشهر بوده، در سال اخیر به دلیل نداشتن الیاف تعطیل شده و کارگران خود را اخراج کرده است. **سه میه بندی گاز در ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان** در حال حاضر قانون جدیدی در ایرانشهر به اجرا گذاشته شده که کپسول گاز سه میه بندی شده است و به هر خانوار در ماه فقط 2 کپسول گاز با کارت تعلق میگیرد. مردم بسیار ناراضی هستند و میگویند که 2 کپسول گاز فقط صرف خورد و خوراک ما میشود و حتی برای گرم کردن آب و اتاقهایمان هم نمیرسد. یک شهروند ایرانشهری میگوید: مردم راهی ندارند مردم بیچاره اند. الان در بازار آزاد هر "پیسپی گاز" 10 هزار تومن است و گاز اصلا پیدا نمیشود. تا چند وقت پیش که به شرکت مراجعه میکردم یک کپسول گاز بهم میدادند ولی الان مرا سر میدوانند. در حال حاضر از بازار سیاه هم نمیشود گاز تهیه کرد و بازار سیاه هم با مشکل مواجه شده است.





افسانه کوچولو روی لبه میز نشسته و در حالی که با زگیل رو انگشتش بازی می کنه، پاهاشو به لبه میز می کوبه! بعد سرش رو برمی گردونه و به دختر بچه کناریش با همون لحن خودمونی، تشر می زنه که یعنی زودتر مشقاتو بنویس! داره دیر می شه! راهشون دوره! پاسگاه نعمت آباد کجا و میدون ونک و پارک لاله کجا!!

الآن که هنوز ظهر نشده اما نگران اینه که کی باید برای خرید فال برن پیش عمو بچی! هنوز نمی دونه آجی کوچولو رو هم باید بره یا اون امروز می تونه بره پیش باباشون که آهن و ضایعات میخره و می فروشه! ازش می پرسیم مامانت کجاست و اون با یه لحن لات و پسرینه وقتی که داره از روی میز می پره، می گه: به مامانم چکار داری! من جای پسر بزرگ بابامم! مواظب آجی کوچیکم هستم!

باز می پرسیم پس مامانت کار نمی کنه!  
این بار دفتر و کتاب رو جمع می کنه و دست آجی کوچیکشو می گیره و می ره سمت در: مامانم مرده؟؟؟

**حال ای خبر را بخوانید!!! کاش میشد همه کودکان روزی  
میتوانستند در این فستیوال ها باشند ای روزی میرسد که  
افسانه کوچولو هم لبخند شادی بر لب آدم برفی بسازد؟؟؟؟**

**در حدود چهارهزار نفر از مردم شهر بانه " در مراسم فستیوال آدم  
برفها شرکت کردند.**

این فستیوال در دفاع از حقوق کودکان و نوجوانان، جلب توجه افکار عمومی به رعایت حقوق کودک، و تلاش برای جلب حمایت مردم از همه کودکان در جامعه سازماندهی شده بود.

فضای شهر بانه قبل از مراسم با تراکتها و پلاکاردهای کانون دفاع از حقوق کودکان تزئین شده بود.

هزاران نفر از مردم شهر بانه علیرغم هوای سرد و ابری با شور و شوق صبح امروز راهی محل فستیوال شدند.

گروههای کودکان و نوجوانان با لباسهای رنگارنگ دسته دسته در محل مراسم گرد هم آمدند.

گروههای موسیقی و خواننده های جوان با خواندن سرود و آواز فضای محل مراسم را سرشار از شادی و سرور کردند.

در این مراسم اعضای کانون دفاع از حقوق کودکان و تعدادی از شهروندان بانه ای در دفاع از حقوق کودک علیه خشونت و کودک آزاری در جامعه سخنرانی کردند.

کودکان و نوجوانان در این فستیوال با شور و شوق گلوله های برفی را گرد آوری میکردند و بادستان ظریفشان آدمک برفی ها را شکل میدادند.

احساسات و ذوق شان را به نمایش می گذاشتند. سرود می خواندند، می رقصیدند، می خندیدند، هورا میکشیدند. با گرمی دستانشان سرما و مشقت را گوش مالی میدادند.

مردم درباره خشونت و نقض حقوق کودک با هم صحبت می کردند، تراکت ها و پلاکاردهای نصب شده را با دقت میخواندند و درباره آن باهم صحبت و گفتگو میکردند.

بر روی پلاکارت ها نوشته شده بود، حقوق کودک جهان شمول است، خشونت بر کودکان ممنوع! بساط اعدام را تعطیل کنید! شکنجه ممنوع باید گردد! استثمار کودکان ممنوع باید گردد! کودک آزاری نکنید! حقوق کودک را رعایت کنید! دولت باید برای همه کودکان زندگی، آسایش و امنیت تأمین کند...

در این مراسم خانم سروه کریمی فعال کانون دفاع از حقوق کودکان در مورد اهداف کانون، جنبش دفاع از حقوق کودکان در ایران، و موارد نقض حقوق کودک در جامعه از طریق تربیون محل مراسم سخنرانی کردند.

مردم شهر بانه و تعدادی از مهمانان دیگر شهرها که در محل مراسم بودند از مناظر و تندیس های برفی که توسط رسانه های محلی خبر و گزارش تهیه کردند.

### بچه های خیابانی



**وضعیت غم انگیز کودکان از زبان روزنامه های حکومتی  
تا مسئولان بچیند این کودکان مجرمان سالهای آینده شده اند .  
مدیر عامل جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابانی دستگاه ها برای  
صدور کارت هویت این کودکان همکاری نمی کنند.**

هیچ چیز نوپي رو پیدا نمی کنی، حتی خودشون هم نو و تمیز نیستن، بچه های که دفتر و کتابای دست دوم و بازی های فکری نصفه از این دنیا بهشون رسیده!

دوتایی سرشون گرمه و چند تا تیکه از پازل برنامه کودک دیجیمونا رو هی بالا و پایین می کنن، شاید به شکلی از توش در بیاد، پازل ناقصه، اما ذوق و خوشی این چند تا بچه با اون کامله!

پسر ها شلوع ترن، روی میز راه می رن و از بارفیکس دم در هی بالا و پایین می رن و چرخ می خورن!

همه چیز شبیه کلاس درسه، دیوار ها انگار رنگ و نقاشی داشته، ولی الآن کثیف شده و جمله های بچه گانه ای به تنش نشسته، میز ها همون شکل و اندازه میز ای باقی مدرسه ها رو داره، فقط اینجا بچه ها همیشه پشتش نمیشینن و برای راه رفتن روی میز آزادن!

روی برد کنار در نوشته: ساعت کاری نداریم! سلام بر بازی!

درس بخونی تو خیابون نمی مونی!

این جمله ها یعنی که اگه شیطونی، اگه یه پسر یا دختر بلا و بیش فعالی، اگه هر روز توی خیابونا برای فروختن فال و کبریت و بند موبایل و هر چیز دیگه، هزار تا جفتک و بارو می زنی و حالا اومدی تا درس بخونی، کسی جلو تو رو نمی گیره، کسی نمی گه که اینجا باید منظم باشی و سر وقت بیای، هیچ معلمی بهت تشر نمی زنه! یا حتی نمی گن که بی ادبی و بی تربیتی! فقط می خوان بهت کمک کنن، تا یاد بگیری چطور بزرگ بشی و دیگه توی خیابونا نمونی، یا حتی اگه موندی بتونی مراقب خودت باشی!

به گزارش خبرنگار «اجتماعی» ایسنا، همه بچه هایی که تو خیابونا سرگردون و رها هستن! همه بچه هایی که بی خانواده اند و جایی جز خیابونا ندارن! همه بچه هایی که هنوز بچه اند، اما بیشتر از بزرگ ترا درد رو می فهمن! همه بچه هایی که به اجبار یا از روی غیرت کوچکی شون نون آور خونه هاشون شدن! هیچ کدام نمی خوان بی سواد و بی آینده بمونن! نمی خوان همون پولی رو که هر روز از خیابانوا بابت بابرکت تهران درمی آورن رو، یک سری آدم فرصت طلب بگیرن!

و اینجا همون جایی که تبدیل شده به خونه امید اونا! خونه امید برای اونایی که روزگار بی رحم بهشون اجازه نمی ده برای خودشون باشن و پی

بازیشون برن!

اینجا مدرسه کودکان خیابانی که هر روز می بینمشون! از کبریت و آدامس و فال گرفته تا انواع مواد مخدر در بین شاخه های پر مهر گل!

بچه هایی که نمی دونن هر روز که در این خیابونا بزرگ تر می شن خشن تر و خیابونی تر می شن!



### دختر گل فروش!



### قربان تو ای غزال معصوم، کاندز پی نان شب دوانی

خانم! قریونت برم، عروسی میرین؟ یک دسته گل! آقا، یک شاخه گل! به شادی! برا همسرتون! برا نامزدتون! ببین چه قشنگه! تو روتون می خنده!  
خانم! آقا!  
این فریاد اوست! فرشته ای از خیل فرشتگان معصوم و بیگناه سرزمینم! لبخندش دنیایی می ارزد! غمی بزرگ در نی نی چشمانش لانه کرده است!  
ازین سوی خیابان به آنسوی! از این ماشین به آن ماشین! فرزند و چالاک می دود! گلها را در بغل و به سینه اش می فشارد! خانم! آقا! به شادی ...

چون آئینه روشنست دلت لیک، لرزنده به سینه همچو سیماب  
چشمش به در است و می شمارد، هر ثانیه در هراس و بیتاب

در خانه نه قند و چای و نانی، زیلو و لحاف گشته نختاب  
خورشید دهد به خانه نوری، شب های سیاه و سرد مهتاب

بیچاره دو تکه استخوانست، با اشکم خالی مانده بی خواب  
مادر نگران حال شوهر، خونین ز غم همه دل باب

این قاعده است میان مردم، بیشتر سخنست ز جنس نایاب  
خادم بود آنکه بیشتر خیانت، بر ملت خود کند و ابواب

یغماگر شب، زاهد روز، جلاد و ستمگران نایاب  
بر سفره او به صبح و شامست، هفت رنگ غذا و شهد خوشاب

در کاخ رفیع و گرم جایش، شب در پر قو و روی خوشخواب  
رحمت به سکندر و هلاکو، چنگیز و عدالتش که بود ناب

زیبایی سرزمینم از تو، رخشنی به شبان من چو شب تاب  
وان آه تو بهر دین فروشان، توفنده شود مثال گرداب

ای دختر گل فروش که لبخند، بنشاند به لب دلت به خواب  
چشم نگران و دل به تشویش، در بستر مرگ خفته مادر

آب است چکان ز سقف خانه، تن پوش به تن پدر ندارد  
سرماي درون کلبه جانسوز، چوبی به اجاق و منقلی نیست

آببست ولرم نه شیر به شیشه، از بهر برادر صغیرت  
مرگ پنجه کشد به در و دیوار، لرزان تن زندگی ز وحشت

در شهر همه ز عدل زند دم، از رحمت کردگار عالم  
بیدادگران ملقب اند به عادل، تاریخ چنین دهد گواهی

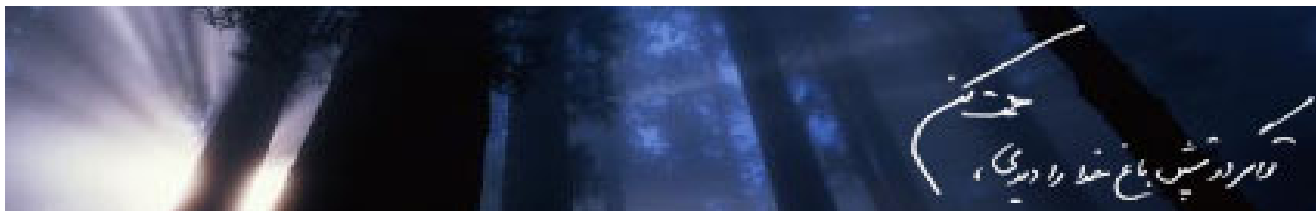
سردار و امیر و معتمد بین، از دید خلیفه و خدا کیانند  
چون نایب خالق جهانست، ابریشم و خز به تن کند شیخ

بی رنج برد ز کیسه ی تو، صد گنج و نهان به زیر بالش  
گر عدل چنین و رحمت اینست، تاریخ بشر ستم ندیده  
\*\*\*

قربان تو ای غزال معصوم، کاندز پی نان شب دوانی  
گلخند تو داغ ننگ و خونست، بر دامن اولیای مذهب

\*\*\*

فرزاد جاسمی  
هیجدهم دی ماه هشتاد و شش



### 23 بهمن 1345 - درگذشت فروغ فرخزاد شاعر بزرگ معاصر

روز 24 بهمن سال 1345، فروغ فرخزاد، شاعر توانمند شعرنو میهن ما درگذشت. فروغ در سال 1313 در تهران به دنیا آمد، 17 ساله بود که اولین دفتر شعرش بنام اسیر را منتشر کرد. پس از آن دفتر شعر دیوار را در سال 35 و عصیان را در سال 36 منتشر نمود.

شعر فروغ بازتاب رنج و فریاد زن ایرانی بود، فریادی که به مدد آگاهی عمیقتر به دنیای پیرامون و شرایط زمانی و مکانی، به تولدی دیگر انجامید! او همان گونه که خود سروده بود از پرنده‌ای که مرده بود، پرواز را به خاطر سپرد و سرود:

از صدای خود فروغ فرخزاد: از نوار چهره‌ها:

چرا توقف کنم؟ من از سلاله درختانم  
 تنفس هوای مانده ملولم می‌کند  
 پرنده‌ای که مرده بود به من پند داد  
 که پرواز را بخاطر بسپارم  
 نهایت تمامی نیروها پیوستن است  
 پیوستن به اصل روشن خورشید  
 و ریختن به شعور نور  
 چرا توقف کنم؟

فروغ فرخزاد که بدون شك یکی از بزرگترین شاعران معاصر ایران است عمری کوتاه داشت و دفتر زندگیش با يك سانحه رانندگی در 32 سالگی بسته شد.

#### هدیه

من از نهایت شب حرف میزنم  
 من از نهایت تاریکی  
 و از نهایت شب حرف میزنم  
 اگر به خانه من آمدم برای من ای مهربان چراغ بیار  
 و يك دريچه که از آن به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم



#### به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد

به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد  
 به جویبار که در من جاری بود  
 به ابره‌های که فکرهای طویل بودند  
 به رشد دردنامه سپیدارهای باغ که با من  
 از فصل خشک گذار میکردند  
 به دستهای کلاغان  
 که عطر مزرعه‌های شبانه را  
 برای من هدیه می‌آوردند  
 به مادرم که در آینه زندگی میکرد  
 و شکل پیری من بود  
 سلامی دوباره خواهم داد  
 می‌آیم، می‌آیم، می‌آیم  
 با گیسویم: دامنه بوهایی زیر خاک  
 با چشم‌هایم: تجربه‌های غلیظ تاریکی  
 با توت‌هایی که چیده‌ام از بیشه‌های آنسوی دیوار  
 می‌آیم، می‌آیم، می‌آیم  
 و آستانه پر از عشق میشود  
 و من در آستانه به آنها که دوست میدارند  
 و دختری که هنوز آنجا  
 در آستان خانه پر عشق ایستاده،  
 سلامی دوباره خواهم داد



### گزارشی از علت تعطیلی کارخانه قند نیشابور

یک کارگر :



کارخانه تعطیل شده بخاطر اینکه یکسری مشکلات پیش آمده بود. اولاً اینکه گاز نبود و گاز را قطع کرده بودن از طرفی کارخانه با مازاد کار میکرد که مشکلاتی پیش آمده بود چون هوا هم خیلی سرد بود. چغندر هم خیلی وقته که تمام شده و مقداری شکر داشتیم که با شکر کار میکردند اونهم که به مشکل خورد کارخانه را بستن و به بچه ها گفتن که برین استراحت کنین تا 28 بهمن. حالا نمیدونیم 28 بهمن میخوان چکار بکنند چون شکرکه ندارن چغندر هم که تموم شده معلوم نیست که چطوری میخوانند راه اندازی کنند.

سال گذشته از نظر مالی وضع خیلی خراب شده بود. بخاطر اینکه شکر بی رویه وارد کردن به همین دلیل شکر های خود کارخانه های قند ماند. کارخانه قند نیشابور شکر تولید میکنه و قند نداره. شکر هم که کارخانه میاره و تولید میکنه در میاد 420 تومن. بعد شکری که به بازار وارد میشه واردکننده ها میگن 380 تومن و اینطوری کارخانه ها رو ورشکست میکنند.

کارخانه قند نیشابور اضافه بر اینها توسعه هم داشته. یعنی قبلاً کارخانه 1500 تنی بود. الان شده 2500 تن. خب اینجا 12 میلیارد بدهکاری داشت. آمدن بالاخره دنبال کردن و شکر آوردن و تبدیل کردن و 5 میلیارد از بدهی ها را دادن. الان وسط راه ماندن نه شکر دارن که تبدیل کنند و نه چغندر. مجبور شدن به کارگرها بگن برین خونه هاتون! اول به کارگرها گفتن نصف شما نصف ما. کارگرها قبول نکردن گفتن همه اش با شما ما میریم والی میریم توی کارخانه میشینیم. کارخانه هم قبول کرد. دید چاره ای نداره گفت برین حق و حقوقتون را هم میدم. الان حقوقشون را میدن و کارگرها هم توی خونه هاشون هم هستن.

خبرنگار کمیته کارگری پویا - نیشابور

### 130 کارگر کارخانه درخشان یزد، به نان شب محتاج شده اند.



کارخانه درخشان یزد از کارخانه های بسیار بحرانی کشور محسوب میشود و کارگران این کارخانه بی پناه ترین و محرومترین کارگران میباشند به 130 کارگر این کارخانه در طی سه سال گذشته حقوق و مزایای عیدی و ... پرداخت نشده و کارفرما صرفاً برای فرونشاندن خشم کارگران، صورت نامرتب هر ماه بعضاً 70 هزار، 80 هزار تومان به عنوان بخشی از حقوق ماهیانه کارگران به آنها داده و در واقع در سه سال گذشته حقوقی به کارگران پرداخت نشد و هرکارگر این کارخانه که بین 15 تا 23 سال سابقه کاری دارند بین 5 میلیون تا 9 میلیون مطالبه دارند، آنان با وضعیت معیشتی اسفناکی زندگی میکنند. یکی از خانمهای کارگر این کارخانه گفت: خدا شاهد است که به نان شب محتاجیم. بچه ام تا ساعت 3 نیمه شب از گرسنگی نمیخوابد. در اثر فشار فقر، کار برخی از خانواده های این کارگران به طلاق کشیده شده است.

### کارگران کارخانه درخشان، بخاطر بی پولی بچه های خود را از مدارس بیرون کشیده اند.

نعمت 17 ساله میباشد و در یزد با کارهای مختلف تلاش میکند برای خانواده اش پولی در بیاورد تا خواهر کوچکش که شبها تا ساعت 3 نیمه شب بدلیل گرسنگی نمیتواند بخواب را کمی سیر کند. پدر نعمت از کارگران کارخانه نساجی بوده که بدلیل تصادف در ده سال قبل معلول شده و توان کار کردن ندارد، خرج پدر معلول و 5 خواهر و برادرش را مادر نعمت که در کارخانه نساجی درخشان کار میکند تامین میکرد، اما اکنون 5 ماه میشود که هیچ پولی را صاحب کارخانه درخشان به کارگران این کارخانه نداده است. حسن پدر نعمت گفت بدلیل اینکه حتی نان شب را نمیتوانیم تامین کنیم ناچار شدیم پسرمان را با خواسته خودش از مدرسه بیرون بکشیم. وی افزود البته علیرغم میل باطنی طبیعی هر پدر و مادری، اکثر کارگران درخشان وادار شدند بچه های خود را از مدرسه بیرون بکشند.

خبرنگار کمیته کارگری پویا - یزد





**6 بهمن: انتقال ابزار تولید و بلاتکلیفی کارگران کارخانه صندوق نسوز خرم**

کارگران کارخانه صندوق نسوز خرم پس از اخراج، ابزار تولید کارخانه را هم از دست دادند. نماینده کارگران صندوق نسوز خرم گفت: مدیریت این کارخانه بدون توجه به تعهداتی که در قبال کارگران دارد، از یک ماه پیش درهای کارخانه را به روی کارگران بسته است و با انتقال غیر قانونی اموال توقیف شده کارخانه، در محل دیگری واقع در جاده خاوران کارخانه جدیدی راه اندازی کرده است.

جعفرتقی بیگلو افزود: درحالی که کارگران این کارخانه بابت مطالبات معوقه خود، ابزار کارخانه را با رای دادگاه توقیف کرده بودند اما ابزار تولید بصورت غیرقانونی از کارخانه خارج شده است. او گفت: 25 کارگر اخراجی این کارخانه با وجود دریافت رای بازگشت به کار، از اواخر تابستان گذشته تاکنون حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند.

**6 بهمن: مرگ از نوع کارگری**

کارگر 39 ساله کارخانه قوه پارس پس از 18 ماه عدم دریافت حقوق معوقه و بلاتکلیفی کاری، به دلیل سکته مغزی جان سپرد. عید علی کریمیاز فعالان کارگری استان قزوین ضمن اعلام این خبر افزود: متأسفانه خانواده این کارگر پس از ماه ها بلاتکلیفی و عدم دریافت حقوق و به تبع آن بدهی سنگین، حتی قادر به پرداخت هزینه کفن و دفن سرپرست خانواده خود نیستند.

او هشدار داد که 18 ماه فقر و گرسنگی جان بیش از صد خانواده کارگری کارخانه قوه پارس را تهدید می کند.

**7 بهمن: دویست کارگر کارخانه نساجی "نقره نخ" بیکار شدند**

به دنبال عدم پرداخت تسهیلات اعتباری به کارخانه نساجی "نقره نخ" در استان فارس، این کارخانه از مدتی پیش تعطیل و تمامی 200 کارگر آن بیکار شدند. رسول کنور تبریزی از فعالان کارگری استان فارس دلیل پرداخت نشدن این تسهیلات را عدم حمایت برخی نهادها و سازمان ها از این کارخانه اعلام کرد. او گفت: در حال حاضر کارگرانی که از لحاظ سابقه بیمه مشمول دریافت مستمری بیمه بیکاری می شوند به اداره تامین اجتماعی معرفی شده اند. در میان کارگران کارخانه تعطیل شده نقره نخ کارگرانی هستند که به دلیل نداشتن سابقه پرداخت بیمه از دریافت مستمری بیمه بیکاری محروم هستند و حتی در چنین شرایط نامناسب اقتصادی و تولیدی تنها امید آنها بازگشت به کار است.

بنا به گفته این فعال کارگری، کارخانه نقره نخ که متعلق به بخش خصوصی است حدود پنج سال پیش فعالیت خود را آغاز کرد اما به دلیل کمبود نقدینگی اینک تعطیل شده است.

**7 بهمن: اعتصاب 1400 کارگر صنایع مخابراتی ایران**

1400 کارگر صنایع مخابراتی ایران که سه ماه است حقوق خود را دریافت نکردند با اعتصاب دست زدند. و آن سو تر در دو آمار متضاد در باره میزان بیکاری در ایران منتشر شده. وزیر کار جمهوری تعداد بیکاران در ایران را 2 میلیون و دویست و پنجاه نفر اعلام کرد در حالی که سازمان آموزش فنی و حرفه ای در ایران از وجود 18 میلیون بیکار در ایران خبر می دهد.

**8 دی: اعتصابات کارگری در گوشه و کنار ایران ادامه دارد**  
«کارگران کارخانه نساجی ایران وند در استان گیلان در اعتراض خود به تعویق حقوق خود در سه ماه گذشته دراعتصاب بسر می برند. کارگران می گویند بیش از هر چیز نگران بازپرداخت اقساط وام مسکن خود و احتمال بازپس گیری خانه هایشان توسط بانک به علت ندادن اقساطی است که از این بانک برای خریداری محل زندگی دریافت کرده بودند. کارگران کارخانه کیان تایر هم که به گفته کارکنان کارخانه این محل متعلق به حجت الاسلام رفسنجانی است در اعتراض به ندادن حقوق شان در اعتصاب هستند. کارگران کارخانه کیان تایر بیش از 3هزار نفر هستند. در صنایع مخابرات ایران نیز حدود 1400 نفر از کارکنان در اعتراض به نگرفتن دستمزد در اعتصاب بسر می برند»

**9 بهمن: یک راننده اتوبوس در تهران دست به خودسوزی زد**  
فریدون دال، 42 ساله، از رانندگان اتوبوسهای خصوصی بوده. علت خودسوزی این راننده که از کارگران بازخریدی شرکت واحد بود، مشکلات او در ارتباط با تامین هزینه و نگهداری اتوبوس بوده است. فریدون دال پس از آنکه برای حل مشکلات خود از مراجعه مکرر به هیات نظارت بر خصوصی سازی شرکت واحد واقع در میدان پاسنور ناامید شده بود در اعتراض خود سوزی کرده است.

**10 بهمن: اوج گیری اعتراضات کارگران گیلانی**  
دستمزد 250 کارگر کارخانه "ایران برگ" گیلان بیش از سه ماه است که پرداخت نشده است. "محمد یعقوبی" از فعالان کارگری استان گیلان گفت: خصوصی سازی بی رویه از یک سو و واردات منسوجات از سوی دیگر باعث تعطیلی و بحران بسیاری از کارخانه های نساجی استان شده است و انتظار می رود با نزدیکی به روزهای پایانی سال اعتراضات گسترده کارگری در استان گیلان را شاهد باشیم. یعقوبی همچنین از مشکلات دیگر کارگران "ایران برگ" گفت: چون اکثر کارگران این کارخانه از طریق وام مسکن خانه خریده اند حالا با تعویق پرداخت حقوق و سپری شدن موعد قسط وام این کارگران نگران بازپسگیری خانه هایشان توسط بانک هستند.

**10 بهمن: نیمی از کارگران مجتمع صنعتی سما اخراج شدند**  
45 کارگر مجتمع صنعتی سما کردستان در آستانه آغاز سال جدید شغل خود را از دست دادند. مدیریت پس از پرداخت 5 ماه حقوق معوقه کارگران آنان را اخراج کرد. 'اقبال رضایی' فعال کارگری در کردستان، گفت: مدیریت، نبود مواد اولیه در امر تولید و کالاهای وارداتی خارجی ارزان قیمت را دلیل بحران در این واحد تولید گونی عنوان کرده است. او گفت: 50 کارگر باقی مانده در کارخانه بدون انعقاد قرارداد کار خود را ادامه می دهند.

**11 بهمن حقوق معوقه کارگران صنایع فلزی تهران پرداخت نمی شود**  
حقوق معوقه 360 کارگر کارخانه صنایع فلزی سازه های سنگین هنوز پرداخت نشده است. یک فعال کارگری در استان تهران افزود: 3 ماه حقوق معوقه سال 85 این کارگران و همچنین دستمزد ماه های آذر و دی سال جاری پرداخت نشده است. کارگران در اعتراض به طولانی شدن مدت پرداخت دستمزدها طی هفته گذشته به اعتصابی 4 روزه دست زدند. او گفت: هر چند مدیریت واحد قول پرداخت حقوق معوقه کارگران را تا پایان سال جاری داده است اما کارگران همچنان نگران وضعیت مالی و شغلی خود هستند.